

بسم الله الرحمن الرحيم

موانع شکوفائی اقتصادی (بررسی موردی اسراف، موجبات فقر، ربا و رشوه)

دکتر علی غضنفری

استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

چکیده

شکوفائی اقتصادی تنها با حصول زمینه ها بدست نمی آید. بلکه علاوه بر بهره وری از بهترین داشته ها، بایستی موانع سر راه آن حذف و یا تضعیف گردد.

اسراف، موجباتی که فقر را تولید می کند، ربا و رشوه از اهم موانع در مسیر اعتلای اقتصادی جامعه محسوب می شوند. مقاله ای که در پیش روی دارید، به بررسی این موانع در قرآن و اخبار پرداخته و ادعا دارد تاکید قرآن و متون دینی بر حذف این موانع به جهت تاثیر بسیار آنها در ایجاد انحراف اقتصادی و مانع مهم بر سر راه شکوفائی اقتصاد است. اسراف ثروت جامعه را بدون بازدهی نابود می کند، فقیر بدون تاثیر مثبت در افزایش سرانه ملی، اموال جامعه را مصرف می کند، ربا به جای اینکه سود را در تولید جستجو کند در اصل پول جستجو می نماید و رشوه اعتماد را که زمینه ساز ثبات اقتصادی است از بین می برد و ناامنی اقتصادی میآفریند.

کلید واژه: اسلام، اقتصاد، اسراف، فقر، ربا، رشوه.

اسراف

اسراف به معنای تجاوز از حد در هر امری است و لذا اعم است از تبذیر و آن به معنای القاء بذر در زمین و ضایع نمودن آن بوده و کنایه از تضييع مال می باشد ، و لذا آنچه که عوام از اسراف استفاده کرده اند در واقع معنای تبذیر است ، چرا که صرف مال در غیر محل خود تنها یکی از مصادیق اسراف شمرده می شود و مصادیق دیگری نیز مشمول این لغت می باشد که شاید اهمیت آنها بسیار بیشتر از تضييع مال باشد. (ر. ک منابع لغوی).

اسراف تاثیر بسزائی در نابودی ثروت فرد و جامعه دارد. مایه های ترقی اقتصادی را از بین برده و سرانه درآمد موثر را کاهش می دهد.

برخورد قرآن کریم با اسراف و مسرفان

قرآن در مورد اسراف و مسرفان می فرماید: خدا آنها را دوست ندارد: ... إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ. انعام ۱۴۸، مسرف قابل هدایت نیست: ... إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ. غافر ۲۸، آنان گمراه شده‌اند ... كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُرْتَابٌ. غافر ۳۴، مسرفین اهل آتش هستند: ... وَ إِنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ. غافر ۴۳.

طبیعی است این تعبیرات تند، تنها در خصوص خوردنی و آشامیدنی نیست، بلکه هر آنچه راکه از مسیر تعادلی خود خارج شود و جانب افراط بگیرد، شامل می‌شود.

در مقابل این کلمه، واژه اقتار قرار گرفته است. قتر به معنای کاستن نفقه و حاکی از بخل درونی می‌باشد. صفت بخل که از اوصاف نفسانی است به وسیله اقتار بروز می‌کند.

مصادیق اسراف

یکی از مسائل مهم در بحث اسراف، فهم مصادیق اسراف است، اینک به بیان موارد و مصادیق اسراف از دیدگاه اخبار و احادیث در تفسیر آیات مربوطه قرآن کریم می‌پردازیم.

۱- اسراف در مصرف ثروت

اموال، حاصل دسترنج آدمی و بخشی از سود حاصله در مقابل از دست دادن گرانبهاترین سرمایه، یعنی عمر است، و لذا همانطور که به دست آوردن آن بدون تدبیر و بسادگی امکان ندارد، صرف و خرج آن نیز بدون تدبیر و برنامه منظم، به منزله هدر دادن آن می‌باشد.

بی تردید برخی مفاسد رایج در جهان امروزی معلول اسراف زراندوزان و ثروتمندان جهان می‌باشد، آنانکه غنی گشتند و برنامه‌ای برای صرف صحیح پول خود نداشتند، با صرف اموال خود، کاباره‌ها، کلوپ‌ها، ساختن و زنان و مردانی را فریفتند و مجالس هرزگی و نوازندگی و خوانندگی ترتیب دادند و حرفه‌هایی این گونه در جامعه خلق کردند و نسل‌هایی را تباہ نمودند. همین است که قرآن کریم چنین اسراف‌کنندگانی را عامل فریب و اغوای انسان‌ها و در صف شیاطین معرفی می‌فرماید: ... وَ لَا تُبَدِّرْ تَبْدِيرًا، إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَ كَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا. اسراء - ۲۶ و ۲۷.

البته ثروت انسان می‌تواند وسیله‌ای بس مهم برای تکامل وجهه معنوی او شود، وجهه‌ای که گاهی کمتر کسی را یارای رسیدن به آن می‌باشد. بر این اساس اموال در دست بشر، بهره عمر انسان، سلامتی وی، امنیت و آرامش روانی او می‌باشد و از آنجا که اینها همه سرمایه خدادادی می‌باشند، ثمره‌اش نیز، سرمایه الهی نزد بشر بوده و باید در مسیری که عصیان پروردگار شمرده می‌شود مصرف نشود.

قرآن کریم در لزوم اعتدال جسم و پرهیز از آنچه تعادل او را به هم زند می‌فرماید: ... وَ كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ. اعراف - ۳۱.

لازم به یادآوری است که اسراف و اقتار نسبی بوده و بستگی به شأن افراد دارند و چه بسا چیزی برای تهیدست اسراف شمرده شود اما همان از ثروتمند، اقتار باشد و یا به عکس.

مقدار انفاق

در مورد میزان انفاق مالی، دو دسته به ظاهر متفاوت از آیات و احادیث قابل توجه و تأمل هستند.

دسته اول:

گروهی از آیات و اخبار، انفاق همه مال را ستوده‌اند و بذل تمام مایملک و حتی حوائج ضروری را مدح نموده‌اند، دو آیه ذیل به توصیف چنین کسانی پرداخته اند.

... وَ يُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَ مَنْ يُوقَ شَحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. حشر ۹.

وَ يُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا. انسان ۸.

در شأن نزول آیه اول آمده است روزی که سپاه اسلام بر بنی‌نضیر پیروز شد، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به انصار فرمود: اگر می‌خواهید اموالتان را با مهاجرین قسمت کنید و در این غنائم شریک باشید و اگر مایلید اموالتان از آن خودتان باشد و به غنائم توجه نکنید؟ انصار گفتند: ما اموالمان را با مهاجرین قسمت می‌کنیم و چشم‌داشتی هم به غنائم نداریم. خدای متعال این نیات صادق را ستود.

برخی دیگر می‌گویند: آیه در شأن هفت مجروح احد نازل شد که تشنه بودند و آب می‌خواستند و هر کدام آب را برای دیگری حواله می‌داد تا اینکه همه به شهادت رسیدند و از آن آب نیاشامیدند.

ابو هریره که از رجال احادیث اهل سنت است، می‌گوید: مسکینی بر پیامبر وارد شد و گفت: گرسنه‌ام، پیامبر به مردم فرمود: کسی او را مهمان کند. علی علیه السلام وی را مهمان کرد ولی او غذای کافی در خانه نداشت، حضرت زهرا علیها السلام بچه‌ها را به خواب نمود و حضرت امیر علیه السلام چراغ را خاموش کرد و غذای اندک را برای مهمان آوردند. آن دو صبح به حضور پیامبر آمدند، حضرت به آنها تبسمی کرد و آیه را تلاوت فرمود. تفسیر مجمع البیان - جلد ۵ - صفحه ۲۶۰.

در شأن نزول آیه دوم که همان آیه اطعام است، ابن عباس ضمن نقل بیماری حسنین علیهما السلام و نذر برای شفای آنان و اعطای افطاری به مسکین و یتیم و اسیر می‌گوید: روز چهارم علی علیه السلام دست حسنین علیهما السلام را در دست داشت و نزد پیامبر آمدند، پیامبر ضعف جسمانی آنان را مشاهده کرد و ناراحت شد و به خانه زهرا آمد، زهرا نیز بسیار ضعیف شده بود و در محراب عبادت نشسته بودند، در این اثناء جبرائیل نازل و آیات سوره دهر را به پیامبر ابلاغ کرد و او را به خاطر داشتن این خاندان تبریک گفت. تفسیر مجمع البیان - جلد ۵ - صفحه ۴۰۴.

دسته دوم:

گروه زیادی از آیات قرآن کریم و احادیث و روایات معصومین علیهم السلام امر به اقتصاد و میانه‌روی نموده‌اند .

وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ. بقره ۱۹۵.

و در راه خدا انفاق کنید، و با ترک آن خود را به هلاکت نیندازید ، و نیکی کنید که خداوند نیکوکاران را دوست دارد .

وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا. اسراء ۲۹.

هرگز دستت بر گردن زنجیر نکن و بیش از حد باز منما تا مورد سرزنش قرارگیری و از کار بمانی.

در تفسیر علی بن ابراهیم آمده است: شأن نزول این آیه آنجا بود که سائلی به خانه پیامبر آمد و تقاضای کمک کرد. وی چیزی حاضر نداشتند . سائل پیراهن پیامبر را تقاضا کرد ، و حضرت خواسته او را ردّ نفرمود. تفسیر نور الثقلین - جلد ۳ - صفحه ۱۵۹.

در تفسیر آیه شریفه وَ الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا. فرقان ۶۷ .

عباد الرحمن کسانی هستند که وقتی انفاق می‌کنند اسراف و اقتار نمی‌ورزند و میانه روی برمی‌گزینند.

کافی روایتی را از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که شرح آن چنین است: روزی امام آیه را تلاوت فرمود ، و مشتت سنگ‌ریزه برداشت و محکم گرفت و فرمود: این اقتار است ، سپس مشت دیگر برداشت و همه را رها کرد و فرمود: این اسراف است . سپس مشت سوم برداشت و مقداری را رها کرد و بقیه را گرفت و آنگاه فرمود: این قوام است. فروع کافی - جلد ۴ - صفحه ۵۴.

جمع این آیات و اخبار به این است که انسان مالک تمام دارائی خود می‌باشد و اگر او در حدی از توان روحی و تعالی اخلاقی باشد که اگر تمام دارائی خود را انفاق کند از خضوع وی چیزی کاسته نمی‌گردد ، به کارش عجب نمی‌ورزد ، و عملش را ناچیز شمرده و بر فقرش صبر می‌کند ، صدور این عمل از وی از بالاترین حسنات می‌باشد. ولی کسی که طاقت و تحمل او کمتر است یا واجب النفقه‌هائی دارد و آنها فقر خود و غنای دیگران با ثروت خویش را تحمل نمی‌کنند، در این صورت می‌بایست حد اعتدال را رفتار نماید و مقتصد و میانه‌رو باشد.

اگر سؤال شود که مگر پیامبر صلی الله علیه وآله و برخی اولیاء دیگر طاقت و تحمل انفاق همه اموال خود را نداشتند که به اعتدال در انفاق مأمور بودند؟ در پاسخ خواهیم گفت که اعتدال پیامبر صلی الله علیه وآله در انفاق و نیز میانه روی برخی اولیاء در این باره، به جهت اعلام حکم شرعی است نه بیان حال خودشان، چه اینکه آنان خود گاهی از همه دارائی خویش می‌گذشتند.

البته گیرنده انفاق نیز بی‌تأثیر نیست، دادن مال کمی به کسی که آن را در مسیر گناه و معصیت مصرف می‌کند، خود نوعی اسراف است. همانطور که بخشش دارائی وسیعی به انسان وارسته ی نیازمند، قابل مدح و ستایش است.

از امام عسکری علیه السلام: نقل شده است که: اگر همه دنیا را لقمه‌ای کنم و به کسی که خالصانه خدا را پرستش می‌کند بخورانم خود را مقصر می‌دانم و آن را در حق وی کوتاهی می‌شمارم.

لَوْ جُعِلَتْ الدُّنْيَا كُلُّهَا لُقْمَةً وَاحِدَةً وَأَطَعْتُمُهَا مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ خَالِصًا لَرَأَيْتُ آتَى مُقَصِّرٌ فِي حَقِّهِ. مستدرک الوسائل - جلد ۱۶ - صفحه ۲۵۲.

۲ - اسراف در عمل

از مهمترین مصادیق اسراف، اسراف در عمل است و آن هدر دادن بهترین سرمایه یعنی عمر می‌باشد سرمایه‌ای که هیچگاه با اموال و مصارف زندگی و . . . قابل قیاس نیست. قرآن کریم بارها از معاصی و گناهان تعبیر به اسراف نموده است. در آیه ذیل از گناه تعبیر به اسراف شده است. قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ . . . زمر ۵۳.

بگو ای بندگان من که بر خود اسراف کردید از رحمت خدا مأیوس نشوید.

و در این آیه اعراض از ذکر خدا که موجب زندگی سخت (معیشت ضنک) است، اسراف نامیده شده است، خداوند بعد از بیان سخنی در باره عذاب اعراض کنندگان از یاد او می‌فرماید: و این گونه کسی را که اسراف کند و ایمان به آیات پروردگارش نیاورد جزا می‌دهم و عذاب آخرت شدیدتر و پایدارتر است.

وَ كَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ وَ لَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى. طه ۱۲۷.

در آیه ۱۲ یونس، خدای متعال تزئین شیطان را عامل غفلت انسان و غفلت را اسراف نامیده است.

. . . كَذَلِكَ زَيَّنَّا لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ.

عمل فرعون که ادعای خدائی می‌نمود و خلاق را بنده خویش می‌دانست، در آیه ۸۳ همان سوره اسراف شمرده شده است. . . وَ إِنَّا فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَ إِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ. مثل این تعبیر در سوره دخان آیه ۳۱ نیز آمده است. و در آیه ذیل، همجنس‌بازی قوم لوط، اسراف شمرده شده است.

إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ. اعراف ۸۱.

آیا شما شهوت خود را به سوی مردان و نه زنان می‌برید، شما گروهی اسرافکارید.

چنانچه در معنای لغوی اسراف گذشت، تجاوز از حد خود و ضایع کردن داشته‌ها، چه داشته‌های مادی و یا معنوی اسراف شمرده می‌شود و موجب ناامنی اقتصادی است.

موجبات فقر

فقر مانع شکوفائی اقتصاد است و فقیر سد راه اعتلای اقتصادی است.

البته فقر را می‌توان به سه قسم کلی تقسیم کرد:

۱- فقر حقیقی، تمام خلائقی که خدا آفریده است، در بقاء خود نیز محتاج به خالق هستند و او، و تنها او غنی محض است. *يا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ*. فاطر - ۱۵.

۲- فقر معنوی

روزی رسول خدا صلی الله علیه وآله به اصحاب خویش فرمود: آیا می‌دانید مفلس کیست؟ عرض کردند: مفلس نزد ما کسی است که نه پولی دارد و نه کالائی. آن حضرت فرمودند: مفلس در امت من، کسی است که با نماز و روزه و زکاة در روز قیامت می‌آید ولی کسی را فحش گفته، دیگری را افترا بسته، مال او را خورده، خون او را ریخته، و این را زده، لذا به همه آنها از حسنات خودش بجای خطاهایش می‌دهد، و اگر حسناتش تمام شد و هنوز حسابش تصفیه نشده باشد، از جزای معاصی آنها می‌گیرد تا اینکه داخل آتش می‌شود، مفلس واقعی این است. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۶.

این بخش از فقر نیز با رشد اقتصاد، مرتبط است.

۳- فقر مالی

احادیث، گاهی به شدت فقر مالی را مذمت کرده‌اند و فقر را:

- کفر: قال رسول الله صلی الله علیه وآله: *كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا*. بحار الانوار - جلد ۷۲ - صفحه ۳۰.
- مرگ بزرگ: قال علی علیه السلام: *الْفَقْرُ الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ*. نهج البلاغه - حکمت ۱۵۹ به ترتیب فیض و ۱۶۳ به ترتیب صبحی.
- بدتر از قتل: قال رسول الله صلی الله علیه وآله: *الْفَقْرُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ*. بحار الانوار - جلد ۷۲ - صفحه ۴۷.
- بدترین بلا: قال رسول الله صلی الله علیه وآله: *أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: فَبِعِزَّتِي وَ جَلَالِي مَا خَلَقْتُ فِي السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ أَشَدَّ مِنَ الْفَقْرِ*. بحار الانوار - جلد ۷۲ - صفحه ۴۷.

خدای متعال به حضرت ابراهیم علیه السلام وحی رساند و فرمود: به عزت و جلالم در آسمان و زمین چیزی بدتر از فقر خلق نکرده‌ام.

- نقص دین، تشویش اندیشه و بدبینی: حضرت امیر علیه السلام در نصایح خود به فرزندش محمد، فقر را موجب نقص در دین و تشویش خاطر دانسته‌است و آن را عامل بدبینی انسانها از یکدیگر

می‌شمارد و می‌فرماید: یا بُنَّیَّ ، اِنِّیْ اَخَافُ عَلَیْكَ الْفَقْرَ ، فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنْهُ ، فَإِنَّ الْفَقْرَ مَنْقَصَةٌ لِلدِّینِ ، مَدْهَشَةٌ لِلْعَقْلِ ، دَاعِيَةٌ لِلْمَقْتِ . نهج البلاغه - حکمت ۳۱۱ به ترتیب فیض و ۳۱۹ به ترتیب صبحی.

فرزندم ، از فقر بر تو می‌ترسم ، از آن به خدا پناه بر ، چرا که فقر دین انسان را ناقص ، عقل و اندیشه او را مشوَّش و مردم را نسبت به او ، و او را نسبت به مردم بد بین می‌سازد.

- لکنت زبان: قال علی علیه السلام: الْفَقْرُ يُخْرِسُ الْفَطْنَ عَنْ حُجَّتِهِ. نهج البلاغه - حکمت ۳.
- فقر انسان زیرک را از بیان دلیلش گنگ می‌سازد .
- غربت: قال علی علیه السلام: اَلْغِنَى فِی الْغُرْبَةِ وَطَنٌ وَ الْفَقْرُ فِی الْوَطَنِ غُرْبَةٌ. نهج البلاغه - حکمت ۵۳ به ترتیب فیض و ۵۶ به ترتیب صبحی.
- ثروت در غربت وطن ، و فقر در وطن غربت است.

و در نهایت فقر را موجب زوال هیبت دانسته اند: امام صادق علیه السلام می‌فرماید: محال است فقیر هیبت داشته باشد. اَلْهَيْبَةُ مِنَ الْفَقِيرِ مُحَالٌ. بحار الانوار - جلد ۷۲ - صفحه ۱۹۴.

آنچه تاکنون قبل برداشت است این است که فقر با آثار زیانبارش می‌تواند مانعی مهم بر سر راه شکوفائی اقتصاد باشد.

البته در مقابل اخباری که در مذمت فقر ذکر شد ، برخی روایات فقر را مدح نموده و برای آن ارج و اعتباری خاص قائل شده‌اند. رسول الله صلی الله علیه وآله فقر را فخر دانسته است: اَلْفَقْرُ فَخْرٌ. بحار الانوار - جلد ۷۲ - صفحه ۴۹. طبیعی است مراد این اخبار ستایش فقر نیست بلکه این روایات صبر در برابر فقر را می‌ستایند.

تهافت ظاهری

آنچه برای حل تعارض ظاهری این اخبار به نظر می‌رسد این است که : اگر کسی بتواند بر نبود ثروت صبر کند و مرتکب معاصی و گناهانی چون کسب باطل ، دروغ ، دزدی ، گدائی و از همه مهمتر ناشکری و ناسپاسی نشود ، فقر برای او ممدوح است ، زیرا راهیابی به مراتب معنوی با فقر آسان‌تر است و کم شدن علقه‌ها باعث تکامل و حتی ترقی سریعتر انسان می‌شود. اما برای کسی که ناسپاسی و ناشکری کند و خود را به معاصی آلوده نماید فقر مذموم و قریب کفر محسوب می‌شود .

عوامل فقر

عوامل فقر را می‌توان به دو دسته فردی و اجتماعی تقسیم نمود ، عوامل فردی فقر عبارتند از :

۱ - تنبلی و سستی

علی علیه السلام می‌فرماید: اشیاء وقتی به هم پیوستند ، کسالت و ناتوانی با هم قرین شدند و فقر از آنها زائیده شد. اِنَّ الْأَشْيَاءَ لَمَّا اِزْدَوَجَتْ اِزْدَوَجَ الْكَسْلُ وَ الْعَجْزُ فَنَجَا بَيْنَهُمَا الْفَقْرُ. وسایل الشیعه - جلد ۱۲ - صفحه ۳۸.

۲ - عدم استقامت

همچنین می فرماید: کسی که پشتکار نداشته باشد و بخود متکی نشود، بر افلاس تکیه خواهد زد. مَنْ لَمْ يَصْبِرْ عَلَى كَدِّهِ صَبَرَ عَلَى الْإِفْلَاسِ. غرر الحکم.

۳ - بی برنامه‌گی

و می فرماید: عدم تدبیر در اقتصاد موجب فقر است. تَرَكَ التَّقْدِيرَ فِي الْمَعِيشَةِ يُورِثُ الْفَقْرَ. بحار الانوار - جلد ۷۶ - صفحه ۳۱۴.

۴ - عادت به دروغ

و می فرماید: عادت به دروغگوئی، عامل فقر است: اِعْتِيَادُ الْكِذْبِ يُورِثُ الْفَقْرَ. غرر الحکم.

۵ - سوگند دروغ

و می فرماید: سوگند دروغ، عامل فقر می‌شود. اَلْيَمِينُ الْكَاذِبَةُ يُورِثُ الْفَقْرَ. غرر الحکم.

۶ - عدم رعایت نظافت

و می فرماید: زایل نکردن تار عنكبوت در خانه‌ها، موجب فقر می‌شود. تَرَكَ نَسِجَ الْعَنْكَبُوتِ فِي الْبُيُوتِ يُورِثُ الْفَقْرَ. غرر الحکم.

۷ - خواب بین طلوعین

و می فرماید: خواب بین طلوعین، عامل فقر است. اَلنَّوْمُ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ يُورِثُ الْفَقْرَ. غرر الحکم.

۸ - گناهان جنسی

و می فرماید: زنا، عامل فقر است. الزَّانَا يُورِثُ الْفَقْرَ. غرر الحکم.

۹ - غنا و آوازخوانی

و می فرماید: زیاد به غنا گوش سپردن، عامل فقر است. كَثْرَةُ الْإِسْتِمَاعِ إِلَى الْغِنَاءِ يُورِثُ الْفَقْرَ. غرر الحکم.

۱۰ - قطع رحم

و می فرماید: قطع رحم، موجب فقر می‌شود. قَطِيعَةُ الرَّحِمِ يُورِثُ الْفَقْرَ. غرر الحکم.

۱۱ - تکدی و اظهار نیاز

رسول خدا صلی الله علیه وآله میفرماید: کسی که در یک سؤال بر خود باز کند و بخود اجازه گدائی دهد ، خداوند هفتاد در فقر را بر او می‌گشاید که کمترین آنها قابل بستن نباشد . مَنْ فَتَحَ عَلَي نَفْسِهِ بَابَ مَسْأَلَةٍ فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ سَبْعِينَ بَابًا مِنَ الْفَقْرِ لَا يَسُدُّ أَدْنَاهَا شَيْءٌ. بحار الانوار - جلد ۹۶ - صفحه ۱۵۴.

۱۲ - اسراف

امام کاظم علیه السلام می فرماید: کسی که اسراف روا دارد ، نعمتش زایل می‌شود. مَنْ بَذَرَ وَ اسْرَفَ زَالَتْ عَنْهُ النِّعْمَةُ. تحف العقول مترجم - صفحه ۴۷۱.

۱۳ - خیانت

امام کاظم علیه السلام می فرماید: خیانت و دروغ، فقر و دورویی می‌آورند. الْخِيَانَةُ وَالْكَذِبُ يَجْلِبَانِ الْفَقْرَ وَالنِّفَاقَ. تحف العقول مترجم - صفحه ۴۷۱.

۱۴ - کم فروشی

رسول خدا صلی الله علیه وآله میفرماید: وقتی ترازو دقیق نباشد و کم فروشی صورت گیرد . خداوند آن امت را با خشکسالی و کمبود مبتلا می‌نماید. إِذَا طُفِّفَ الْمِكْيَالُ أَخَذَهُمُ اللَّهُ بِالسِّنِينَ وَالنَّقْصِ. بحار الانوار - جلد ۷۳ - صفحه ۳۷۳ و تحف العقول - صفحه ۵۱.

بررسی این موارد، این مطلب را کاملا برهانی می سازد که هر کدام از عوامل ایجاد فقر، چون خود فقر مانع پیشرفت اقتصادی هستند. هر کدام از این موارد می توانند با انحراف در تولید، توزیع و مصرف رشد اقتصادی را به سهم خود متوقف سازند.

عوامل اجتماعی فقر

علاوه بر آنچه گذشت عوامل اجتماعی فقر نیز در ایجاد مانع در مسیر رشد اقتصادی موثر بوده و بلکه بیشترین تاثیر را دارند. این عوامل عبارتند از:

۱ - وجود زمامداران ستمگر و ظالم

امام علی علیه السلام می فرماید: کسی که مالیات بگیرد و عمران و آبادانی ننماید ، شهرها را ویران و بندگان خدا را هلاک ساخته است. مَنْ طَلَبَ الْخَرَاجَ بِغَيْرِ عَمَارَةٍ ، أَخْرَبَ الْبِلَادَ وَ أَهْلَكَ الْعِبَادَ. نهج البلاغه - نامه ۵۳.

۲ - ضعف برنامه ریزی مسئولین اقتصادی

امام علی علیه السلام می فرماید: نیک اندیشی و برنامه ریزی صحیح ، موجب افزایش ثروت و بد اندیشی عامل کاسته شدن آنست. حُسْنُ التَّدْبِيرِ يُنْمِي قَلِيلَ الْمَالِ وَ سُوءُ التَّدْبِيرِ يُفْنِي كَثِيرَهُ. غرر الحکم.

۳ - تسلط ناآگاهان بر نظام اقتصادی جامعه

امام صادق علیه السلام می فرماید: موجب نابودی اسلام و مسلمین است اینکه اقتصاد در دست کسانی باشد که نه مورد استفاده را می شناسند و نه کار مفیدی با آن انجام می دهند. **إِنَّ مِنْ فَنَاءِ الْإِسْلَامِ وَ فَنَاءِ الْمُسْلِمِينَ أَنْ تَصِيرَ الْأَمْوَالُ فِي أَيْدِي مَنْ لَا يَعْرِفُ فِيهَا الْحَقَّ وَ لَا يَصْنَعُ فِيهَا الْمَعْرُوفَ.** وسایل الشیعه - جلد ۱۱ - صفحه ۵۲۱.

۴ - عدم استفاده صحیح از امکانات طبیعی

امام صادق علیه السلام می فرماید: کسی که آب و خاکی بیابد و با آن حال باز هم محتاج باشد ، خداوند او را از رحمت خود دور گردانیده است. **مَنْ وَجَدَ مَاءً وَ تَرَاباً ثُمَّ افْتَقَرَ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ.** وسایل الشیعه - جلد ۱۱ - صفحه ۲۴.

رابطه فقر و اقتصاد

فقر از دوجبهت سد راه پیشرفت اقتصاد است. از جهتی فقیر در مسیر تعالی اقتصادی قرار نگرفته و تأثیری در افزایش راندمان مولفه های مهم اقتصادی ندارد. و از سوی دیگر او مصرف کننده حاصل تلاش دیگران است و ثروتی که بار دیگر باید در مسیر تولید قرار گیرد، مستقیماً به مصرف می رسد. البته هر چند وظیفه جامعه کمک به تهیدستان بوده و هست، اما کمک های نقدی که به فقیر توان تولید ندهد، این دو تالی فاسد را بدنبال دارد.

ربا

از جمله موانع مهم شکوفائی اقتصاد، رباست. چرا که ربا سود پول را به جای تولید در اصل پول جستجو می کند و این موجب می شود پول در چرخه تولید حذف شود. ربا به همین علت و نیز به جهت شکاف طبقاتی و بی مهری حاصله از آن یکی از محرمات مؤکد در فقه اسلامی محسوب می شود.

ربا در قرآن

به قطع می توان گفت: قرآن کریم هیچ گناهی را به قدر ربا مذمت نکرده است. به گوشه ای از این نکوهشها در عناوین ذیل توجه کنید.

۱ - قیاس ربا با معامله، مذمت شده است

اهل ربا، معامله و خرید و فروش را با ربا یکی می دانند و می گویند بیع هم مانند ربا است. پس چرا بیع حرام نباشد؟

این دو از جهات متعددی با هم تفاوت دارند، از جمله اینکه: در بیع، طرفین معامله استفاده می برند یا هر دو متضرر می شوند گاهی یکی سود می برد و دیگری زیان می بیند در حالیکه در ربا، رباخوار هرگز زیان نمی بیند، او هر روز ثروتمندتر می شود.

از سوی دیگر ربا ثروت جامعه را متراکم می‌کند. صاحبان ثروت معدود می‌شوند و این معدود افراد اقتصاد، فرهنگ و سیاست ملت را با استفاده از قدرت اقتصادی خود، زیر یوغ خویش در می‌آورند در حالیکه معامله، ثروت را از توقف بازداشته و در مسیر سالم به حرکت در می‌آورد.

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا... بقره ۲۷۵.

رباخواران بر نمی‌خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان دیوانه شده و نمی‌تواند تعادل خود را حفظ کند، این بخاطر آنست که گفتند بیع مثل ربا است در حالیکه خدا بیع را حلال و ربا را حرام نموده است.

۲ - اراده الهی بر نابودی ربا و ترویج قرض الحسنه قرار گرفته است

يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ. بقره ۲۷۶.

خداوند ربا را نابود و صدقات را افزایش می‌دهد و او هیچ انسان ناسپاس و گناهکاری را دوست ندارد.

شخصی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: کسی ربا می‌خورد در حالیکه اموالش زیاد می‌شود این چگونه با آیه شریفه سازگار است؟ حضرت فرمودند: هر چند اموالش زیاد شود ولی خداوند دینش را نابود می‌کند.

يَمْحَقُ اللَّهُ دِينَهُ وَ إِنْ كَانَ مَالَهُ يَكْثُرُ. بحار الانوار - جلد ۱۰۳ - صفحه ۱۱۷.

۳ - ربا جنگ با خدا و رسول است

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ، فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ إِنْ تَبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ. بقره ۲۷۸ و ۲۷۹.

ای مؤمنین از خدای بترسید و آنچه از مطالبات ربا باقی مانده است رها کنید اگر ایمان دارید در غیر این صورت به جنگ با خدا و رسول برخاسته‌اید و اگر توبه کنید سرمایه‌های شما از آن شماست نه ستم می‌کنید و نه بر شما ستم می‌شود.

در پی پند و اندرز آیات سابق خدای متعال لحن را شدید نموده و در این آیه شریفه رباخواران را تهدید به جنگ می‌نماید.

ربا در اخبار

لحن اخبار در مورد ربا نیز بسیار شدید است. به برخی از این روایات توجه کنید:

۱ - گناه کبیره است

قال الرضا عليه السلام: إِغْلَمُ يَرْحَمَكَ اللَّهُ ، أَنَّ الرِّبَا حَرَامٌ سُحْتٌ مِنَ الْكِبَائِرِ وَ مِمَّا قَدْ وَعَدَ اللَّهُ عَلَيْهِ النَّارَ ، فَتَعَوَّذُ بِاللَّهِ مِنْهَا وَ هُوَ مُحَرَّمٌ عَلَى لِسَانِ كُلِّ نَبِيٍّ وَ فِي كُلِّ كِتَابٍ. مستدرک الوسائل - جلد ۱۶ - صفحه ۳۳۱.

بدان ، که خدا بر تو رحم نماید ، ربا حرام و از گناهان کبیره می باشد و از معاصی و گناهانی است که خداوند وعده آتش بر آن داده است ، پس از آن به خدا پناه می بریم ، این گناه بر زبان هر پیامبری و در هر کتابی حرام بوده است.

۲ - کسبی خبیث است

قال رسول الله صلى الله عليه وآله : شَرُّ الْمَكْسَبِ كَسْبُ الرَّبَا. وسایل الشیعه - جلد ۱۲ - صفحه ۴۲۶.

بدترین کسبها ، کسب ربا است.

۳ - عظیم تر از هر گناه و فساد و فحشائی است

قال الصادق عليه السلام: دَرَاهِمٌ رِبَاً عِنْدَ اللَّهِ أَشَدُّ مِنْ سَبْعِينَ زَنْبِيَةً كُلُّهَا بِذَاتِ مَحْرَمٍ. وسایل الشیعه - جلد ۱۲ - صفحه ۴۲۳.

یک درهم ربا از هفتاد زنا با محارم بدتر است.

۴ - رباخوار ملعون و مطرود درگاه الهی است

قال على عليه السلام : لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الرَّبَا وَآكِلَهُ وَبَايَعَهُ وَمُشْتَرِيَهُ وَكَاتِبَهُ وَشَاهِدِيَهُ. وسایل الشیعه - جلد ۱۲ - صفحه ۴۳۰.

پیامبر خدا ، ربا ، خورنده آن ، فروشنده ، خریدار آن ، نویسنده و دو شاهد آن را مطرود نموده و لعن کرده است.

بر گرفته از این اخبار این است که ربا نوعی ارتباط ناسالم اقتصادی است که عواطف انسانها را نسبت به هم از بین برده و حرص و طمع و مال اندوزی را گسترش می دهد. رباخوار تنها به سود خود می اندیشد و در این راستا ، اخوت اسلامی ، بی معنا شده و ارزشهای دینی تباه می شود. ربا موجب افزایش فاصله طبقاتی می گردد ، یک طرف دائماً بر ثروتش افزوده شده و طرف دیگر همواره در گردابی شدیدتر گرفتار می شود. و نیز ربا عامل مهمی برای استعمار و استثمار انسان ها و نیزملت های ضعیف است.

چرائی حرمت

فلسفه حرمت ربا این است که ربا سود پول را در اصل پول جستجو می کند و این موجب می شود پول در چرخه تولید نیفتد و خود پول زایش داشته باشد. ادامه این سیر شکاف طبقاتی ایجاد کرده و بین قشر ضعیف و غنی بی مهربی می آفریند. بی تردید فاصله طبقاتی و انباشته شدن ثروت در یک سو، عامل بسیاری از جنگهای جهان ، درگیری های فردی ، ترور و آدم کشی ، می باشد که این همه زائیده ربا و فرزند نامشروع اوست .

هشام بن حکم از امام صادق علیه السلام در مورد علت تحریم ربا سؤال نمود ، حضرت در پاسخ فرمودند :

إِنَّهُ لَوْ كَانَ الرَّبُّ خَلَالًا لَتَرَكَ النَّاسُ التَّجَارَاتِ وَمَا يَخْتاجُونَ إِلَيْهِ ، فَحَرَّمَ اللَّهُ الرَّبُّ لِيَتَنَفَّرَ [لِيَتَفَرَّ] النَّاسُ مِنَ الْحَرَامِ إِلَى الْحَلَالِ وَإِلَى التَّجَارَاتِ مِنَ الْبَيْعِ وَالشِّرَاءِ فَيَبْقَى ذَلِكَ بَيْنَهُمْ فِي الْقَرْضِ. وسایل الشیعه - جلد ۱۲ - صفحه ۴۲۴.

اگر ربا حلال می بود مردم تجارت را رها می کردند و به آنچه نیاز داشتند روی نمی آوردند . پس خدای متعال ربا را حرام نمود تا مردم از حرام بگریزند و به سوی حلال و تجارتها و خرید و فروش روی آورند و همین حالت بین آنها در قرض باقی بماند. وسایل الشیعه - جلد ۱۲ - صفحه ۴۲۳.

پیشنهاد قرآن

قرض گرفتن فی حد نفسه مورد نکوهش قرار گرفته است و آثار زیانبار روانی مترتب شده بر آن از کسی مخفی نیست. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: از قرض بپرهیزید که آن غصه شب و ذلت روز است. إِيَّاكُمْ وَالذَّيْنَ فَإِنَّهُ هَمٌّ بِاللَّيْلِ وَ ذُلٌّ بِالنَّهَارِ. بحار الانوار - جلد ۱۰۳ - صفحه ۱۴۱.

اما به هر حال مشکلات و مصائب دنیوی قابل پیش بینی نمی باشد و گاهی انسان مجبور می شود که گرفتاری های خود را با قرض حل نماید. اسلام برای از بین بردن قرض ربوی ، قرض الحسنه را در مقابل آن پیشنهاد نموده و ثواب های گسترده ای در قیامت و آثار نیکی در دنیا بر آن مترتب نموده است.

طبعاً به خاطر میل انسان به افزایش سرمایه اش، غالباً دادن قرض الحسنه همیشگی نیست و این موجب می شود پول همواره از تولید باز نماند. علاوه اینکه گیرنده قرض الحسنه چه بسا آن را در مسیر تولید و توزیع اقتصادی قرار دهد. قرض الحسنه نیز آثار مثبت همدردی و توجه به هم نوع را بدنبال دارد و لذا از آثار مخرب ربا بدور است.

قرض الحسن در آیات

قرآن کریم از قرض الحسنه به عنوان عامل مهم بهره های دنیوی و اخروی یاد کرده است. مطابق برخی آیات، قرض الحسنه موجب ازدیاد اموال و ثروت می گردد .

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْصُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ. بقره ۲۴۵.

کیست که به خدا قرض الحسنه دهد تا آن را برای او چندین برابر کند و خداوند است که روزی بندگان را کم و زیاد می نماید و شما به سوی او باز می گردید.

و طبق این آیه و آیه ۱۷ تغابن، قرض الحسنه عامل تکفیر گناهان می باشد .

... وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ لَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ... مائده ۱۲.

و به خدا قرض الحسنه دهید ، گناهان شما را می پوشانم و شما را در باغهایی از بهشت که نهلهائی زیر آنها جاری است وارد می کنم .

بهره اخروی آن هم بر اساس آیه ذیل و نیز ۲۰ مزمل محفوظ است .

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ. حدید ۱۱.

کیست که به خدا قرض الحسنه دهد تا خداوند آن را برای او چندین برابر ساخته و پاداش پرارزش دهد.

قریب به همین تعبیر، در آیه ۱۸ سوره حدید نیز آمده است .

قرض الحسن در روایات

در روایات به صورت گسترده به اصل استحباب و ثواب مترتب بر قرض الحسنه اشاره رفته است. به روایتی توجه کنید.

قال الصادق علیه السلام: ما من مؤمنٍ أقرضَ مؤمناً یلتَمِسُ بِهِ وَجَهَ اللَّهِ إِلَّا حَسَبَ اللَّهُ لَهُ أَجْرَهُ بِحِسَابِ الصَّدَقَةِ حَتَّى يَرْجِعَ مَالُهُ إِلَيْهِ. وسایل الشیعه - جلد ۱۱ - صفحه ۵۴۵.

مؤمنی نیست که به برادرش برای خدا قرض می‌دهد مگر اینکه خداوند قرضش را تا اینکه ادا شود، به حساب صدقه گذارد.

رشوه

عدل از ارزشهای اصیل انسانی و اسلامی است . خدا انسان را آفرید تا او را به معرفت خویش آشنا نماید. ریشه و آثار هر موجودی را که موشکافی کنید، آن را بر اساس عدل می یابید، انبیاء و مصاحف همه برای ترویج این وصف والای خالق در بین مخلوقین آمده‌اند ، اوصیاء همه از عدل می‌گویند، . . . و نهایت اینکه عدل و ایمان دو قلوئی هستند که جدا شدن آنها ضلالت و گمراهی است .

الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ. انعام ۸۲.

آنان که ایمان آوردند و ایمان خود را با ستم نیالودند ، ایمنی تنها از آنهاست و همانان هدایت یافتگانند.

ایجاد عدالت اجتماعی در تمام عرصه‌های زندگی هدف اساسی اسلام از حیات دنیوی است و ثمره آن مدینه فاضله انسانی می‌باشد ، مدینه‌ای که هر شهروندی به حقّ خود راضی بوده و از اخذ حقّ دیگری ولو باجبار شرایط محیط، خودداری کند ، شهری که تاکنون از حصار تبادر ذهنی خارج نشده است. امید آخرین وصیّ نبیّ خاتم آن را محقق فرماید .

و البته چون هدف دین اجرای عدالت است و محک سنجش آدمیان نیز همان است، آیات و اخبار زیادی به این مهم اشاره نموده و لزوم وجود عدالت و عواقب سوء متأثر از نبود عدالت را گوشزد فرموده‌اند.

و نیز با آنچه که در مسیر مخالف این جریان عقلانی در جامعه حرکت می‌کنند، شدت مقابله نموده‌اند، از اینروست که اسلام به لزوم وجود عدل در پیکره حکومت اهمیت بیشتری داده و وعیدهای سختی را برای حاکم ظالم مطرح نموده است.

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ... نحل ۹۰.

قوانین قضائی اسلام از شهادت و اقرار اوصاف قاضی تا حدود و دیات و قصاص همه برای اجرای عدالت است و بدیهی است چیزی که سد راه اجرای عدالت گردد و این دستورات را بی‌نتیجه نماید یا به آن جنبه تشریفاتی دهد، به شدت منکوب اسلام است.

از دیگر موانع مهم در مسیر شکوفائی اقتصاد جامعه، رشوه است. رشوه یکی از بلاهای عظیم اجتماعی است و موجب انحراف قوانین می‌شود. رشوه موجب می‌شود قانونی که می‌بایست اقامه عدل کند، عامل بر پائی ظلم شود و آنکه باید دست مظلوم را بگیرد به ظالم توان مضاعف بخشد.

لذا اسلام با رشوه تنها به عنوان معصیتی در میان معاصی برخورد ننموده است، بلکه به مقتضای اثر رشوه که نابودی اساس فرامین الهی است. آن را کفر خوانده است.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إِيَّاكُمْ وَالرِّشْوَةَ فَإِنَّهَا مَحْضُ الْكُفْرِ. بحار الانوار - جلد ۱۰۴ - صفحه ۲۷۴.

واژه **سحت** که سه بار در قرآن کریم وارد شده است به هر مال نامشروع و مخصوصاً رشوه تفسیر شده است، این واژه به معنای جدا کردن پوست می‌باشد و استعمال آن در حرام و رشوه به این لحاظ است که مال حرام طراوت را از زندگی انسان جدا می‌کند و انسان را پژمرده می‌نماید همانطور که درخت با کندن پوستش خشکیده می‌شود.

و تَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ السَّخْتِ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ. مائده - ۶۲.

بسیاری از اهل کتاب را می‌بینی که در گناه و تعدی و خوردن حرام شتاب دارند، چه زشت است کارشان.

رشوه در احکام

اعطاء چیزی از ناحیه ظالم به قاضی برای اثبات مظلومیت او یا براءت وی، اصطلاحاً رشاء در احکام گفته می‌شود. این قسم از رشوه که در واقع همین نوع از آن، در ابواب فقهی مصطلح می‌باشد، چندین گناه کبیره را از جمله دروغ، ظلم، غضب، خیانت در امانت، ضایع کردن حق غیر، حکم به ناحق، تجویز تصرف در مال حرام و... در دل خود نهفته دارد.

آیه‌ای ذیل، به این قسم از رشوه اختصاص داشت، در این آیه رشوه‌خواری مورد تقبیح قرار گرفته و اکل مال به باطل محسوب شده است.

وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدُلُّوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ.
بقره ۱۸۸.

اموال یکدیگر را به باطل نخورید و کار را به قضاوت و حاکمان نکشانید تا قسمتی از اموال مردم را آگاهانه و بناحق بخورید با اینکه می‌دانید و به معصیت بودنش آگاهید .

پیامبر خدا در رشوه‌خواری سه دسته را مطرود از درگاه حق معرفی فرموده است:

الرَّاشِي وَالْمُرْتَشِي وَالْمَاشِي بَيْنَهُمَا مَلْعُونُونَ. بحار الانوار - جلد ۱۰۴ - صفحه ۲۷۴.

رشوه دهنده و گیرنده و واسطه آنها مطرود درگاه رحمت خدایند.

حق السکوت

خداوند پرده‌های معصیت را همیشه آویخته نگه نمی‌دارد و البته خاصیت برخی گناهان کنار رفتن پرده‌های عصمت می‌باشد ، شیطان نیز هم عاصی را وادار به معصیت می‌کند و هم دیگران را وادار به دیدن معصیت وی به برملا شدن عملش می‌نماید، این عده که از ظلم ظالم باخبر می‌شوند و در مقابل او خواهند ایستاد.

ظالم که برملا شدن فجورش مانع ترک معصیت او نمی‌شود ، به دو شیوه رایج یعنی تهدید و تطمیع متوسل گشته و غالباً از شیوه صحیح یعنی ترک معصیت و انابه پرهیز می‌نماید. آن کس که آگاه از کردار زشت حاکم شده، اگر موجبات تهدید را دارا نباشد ، با سیل زر و زیور مواجه می‌شود تا بلکه ندای حقانیت و مظلومیت مظلومان و عدالتخواهی عدالتخواهان را مخفی بدارد .

هدیه

اعطاء هدیه و اخذ آن مورد سفارش اسلام است ، هدیه عامل ایجاد محبت و مودت می‌باشد و کینه‌ها را می‌زداید. رسول خدا صلی الله علیه وآله: می‌فرماید: هدیه چیز خوبی است، کینه‌ها را از دل برمی‌دارد.

نِعْمَ الشَّيْءُ الْهَدِيَّةُ تُذْهِبُ الضَّغَائِنَ مِنَ الصُّدُورِ. بحار الانوار - جلد ۷۵ - صفحه ۴۵.

نیز فرموده‌اند: هدیه دادن موجب مودت و محبت است. الْهَدِيَّةُ تُورِثُ الْمَوَدَّةَ. بحار الانوار - جلد ۷۷ - صفحه ۱۶۶.

اما اگر هدیه برای انجام گناهی اعطاء شود و یا در مقابل عملی نا مشروع صورت پذیرد نه تنها جایز نیست بلکه حرام و معصیت محسوب می‌شود . استعمال واژه هدیه در این موارد و امثال آن ، نوعی اغوای شیطان است تا نفس مؤمن را با حيله فریب دهد. بر این اساس در فرهنگ لغت چنین عطائی را هدیه نمی‌نامند ، واژه قابل استعمال برای این عطیه، همان رشوه است .

قال رسول الله صلی الله علیه وآله: مَنْ شَفَعَ لِأَخِيهِ شَفَاعَةً فَأَهْدَى لَهُ هَدِيَّةً عَلَيْهَا فَقَبِلَهَا مِنْهُ فَقَدْ أَتَى بَاباً عَظِيماً مِنْ أَبْوَابِ الرَّبِّ. كنز العمال - ۱۵۰۶۹.

کسی که برای برادرش واسطه در کاری شود و او هدیه‌ای به وی هبه کند ، و قبول هدیه نماید ، داخل دروازه‌ای عظیم از ربا شده است.

امام رضا علیه السلام در تفسیر عبارت اَكَّالُونَ لِلسُّخْتِ که در آیه ۴۲ مائده به‌عنوان وصف منافقین و یهود آمده است ، می‌فرمایند: خورنده حرام کسی است که کاری برای برادرش انجام می‌دهد و سپس هدیه‌اش را می‌پذیرد.

هُوَ الرَّجُلُ يَقْضِي لِأَخِيهِ الْحَاجَةَ ثُمَّ يَقْبَلُ هَدِيَّتَهُ. تفسیر نور الثقلین - جلد ۱ - صفحه ۶۳۲ و بحار الانوار - جلد ۱۰۴ - صفحه ۲۷۳.

پور سانت

امروزه معمولاً فروشندگان مبالغی به کسانی که کالائی را برای غیر خریداری کنند، پرداخت می‌نمایند. این مبالغ عموماً به دو جهت اعطاء می‌شود ، جهت اول آنکه رغبتی در خریدار مباشر ایجاد شود تا کالای فروشنده به‌عنوان بهترین کالا از جهات عدیده معرفی شود ، و جهت دوم آنکه خریدار را تشویق می‌کند تا خریدهای بعدی از همان فروشنده صورت گیرد .

بدیهی است اگر چنین مبلغی کمیت و یا کیفیت جنس را کاهش دهد، رشوه بوده و اخذ و صرف آن حرام و معصیت است .

به این واقعه توجه کنید: به پیامبر خدا صلی الله علیه وآله خبر دادند که یکی از فرماندارانش هدیه پذیرفته است . پیامبر به وی عتاب کردند : چرا آنچه حقّ تو نیست می‌گیری؟ فرماندار گفت : هدیه بوده است ، حضرت در پاسخ وی فرمود: آیا گمان می‌کردید اگر هر کدام از شما در خانه‌اش می‌نشست و کاری به وی نمی‌سپردم ، مردم چیزی به او هدیه می‌دادند.

أَرَأَيْتَ لَوْ قَعَدَ أَحَدُكُمْ فِي دَارِهِ وَ لَمْ نُؤَلِّهِ عَمَلًا أَكَانَ النَّاسَ يَهْدُونَهُ شَيْئًا. تفسیر نمونه - جلد ۲ - صفحه ۴.

صحیح مسلم آورده است: یکی از کار گزاران پیامبر خدمت حضرت رسید و عرض کرد: اموالی با من است ، اینها از آن شما و اینها نیز مردم به من هدیه داده‌اند . حضرت که از این سخن ناراحت شده بودند، به منبر رفتند و پس از حمد و ثنای خداوند فرمودند: چه شده است عاملی که او را به جائی فرستاده‌ام، حال که برگشته می‌گوید : این مال شما و بیت‌المال مسلمین و اینهم مال من ، به من هدیه داده‌اند . او اگر در خانه پدر یا مادرش می‌ماند و منتظر می‌شد آیا به وی هدیه می‌دادند یا نه ؟

مَا بِالْ عَامِلِ أَنْبَعْتُهُ فَيَقُولُ هَذَا لَكُمْ وَ هَذَا أَهْدَى إِلَيَّ! أَفَلَا قَعَدَ فِي بَيْتِ أَبِيهِ أَوْ فِي بَيْتِ أُمِّهِ حَتَّى يَنْظُرَ أَيَهْدِي إِلَيْهِ أَمْ لَا؟ صحیح مسلم - جلد ۳ صفحه ۱۴۶۳.

نتیجه

آنچه از این مجموعه بدست می آید این است شکوفائی اقتصادی منوط به ایجاد زمینه ها و رفع موانع است. نگانده در این مقاله بر آن بوده که چهار مانع مهم در سر راه شکوفائی اقتصاد برشمارد.

وجه مشترک این چهار مانع این است که ثروت را در مسیر کاذب قرار داده و از مسیر اصلی آن یعنی تولید و توابع تولید باز می دارند. به عبارت دیگر این موانع به جای ایجاد اشتغال برای افزایش سرانه جامعه که در نتیجه به افزایش ثروت شخصی می انجامد، به ایجاد مستقیم ثروت شخصی منجر می شوند.

علاوه اینکه برخی از این موانع ناامنی اقتصادی می آفرینند و نیز حس همدردی و همنوعی را بین آحاد جامعه انسانی از بین می برند. این ها بخشی از راز تحریم شدید این چهار عنوان در آیات و اخبار می باشد.

وفقکم الله لما یحب و یرضی

منابع قرآنی

بعد از قرآن کریم

تفسیر تبیان، ابوجعفر محمد بن حسن (شیخ طوسی)، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.

تفسیر جامع الاحکام القرآن، شمس الدین ابومحمد القرطبی، دارالغدالعربی، القاهرة، جز ۲۰، مج ۱۴۰۸ ۱۱ق.

تفسیر الجوامع الجامع، ابو علی فضل بن حسن طبرسی، دانشگاه تهران.

تفسیر الدر المنثور فی تفسیر المأثور، جلال الدین عبد الرحمن ابن ابوبکر سیوطی، دار المعرفه، بیروت.

تفسیر روض الجنان و روح الجنان، ابوالفتوح رازی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد، مج ۱۳۶۵ ۲۰ش.

تفسیر صافی، محمد محسن فیض کاشانی، دار المرتضی مشهد، چاپ اول.

تفسیر عیاشی، ابونصر محمد بن مسعود سلمی سمرقندی (عیاشی)، مؤسسه بعثت، قم، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.

تفسیر فرات، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم کوفی، مؤسسه طبع و نشر، ۱۴۱۰ق.

تفسیر الکشاف، جارالله زمخشری، دارالکتب العلمیه، بیروت، مج ۱۴۱۵ ۴ق

تفسیر مجمع البیان، امین الاسلام الطبرسی، مؤسسه الاعلمی، بیروت، مج ۱۴۱۵ ۱۰ق.

تفسیر المیزان، علامه محمدحسین طباطبایی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، مج ۱۴۱۷ ۲۰ق.

منابع حدیثی

- الاستبصار - ابوجعفر محمد بن الحسن طوسی - م ۴۶۰ - چاپ چهارم ۱۳۶۳ش - خورشید - قم - دارالکتب الاسلامیه.

- اقبال الاعمال - سيد رضى الدين على بن موسى جعفر بن طاووس - م٦٦٤ - چاپ اول ١٤١٤ - دفتر تبليغات اسلامى.
- الامالى سيد مرتضى - شريف المرتضى - م٤٣٦ - چاپ اول ١٣٢٥ هجرى - كتابخانه حضرت آيت الله العظمى المرعى النجفى قم - جامعه مدرسين.
- امالى مفيد - شيخ مفيد - م٤١٣ - اسلاميه - جامعه مدرسين قم.
- بحار الانوار محمد باقر مجلسى - م١١١٠ - چاپ دوم ١٤٠٣ - دارالوفاء - بيروت.
- بحار الانوار فى تفسير المأثور القرآن - كاظم المراد خانى - معاصر - چاپ اول ١٤١١ - مؤسسه الطور للنشر.
- تحف العقول - ابن شعبه حرانى - مقرن چهارم - چاپ دوم ١٤٠٤ ق - جامعه مدرسين.
- تهذيب الاحكام - أبو جعفر محمد بن حسن طوسى - م٤٦٠ - چاپ چهارم ١٣٦٥ شمسى - دارالكتب الاسلاميه قم.
- ثواب الاعمال - ابو جعفر محمد بن على بابويه قمى شيخ صدوق - م٣٨١ - چاپ دوم ١٣٦٨ - منشورات رضى - قم.
- الخصال - ابو جعفر محمد بن على بابويه قمى شيخ صدوق - م٣٨١ - جامعه مدرسين حوزه علميه - قم.
- سنن ترمذى - محمد بن عيسى ترمذى - م٢٧٩ - دارالفكر - بيروت.
- سنن كبرى - احمد بن حسين بن على بيهقى - م٤٥٨ - دارالفكر - بيروت.
- صحيح بخارى - محمد بن اسماعيل بخارى - م٢٥٦ - دار ابن كثير.
- صحيح بخارى - محمد بن اسماعيل بخارى - م٢٥٦ - دارالفكر - بيروت - مطبعة الاعتدال - دمشق.
- كافي - كلينى - م٣٢٩٣٢٨ - سوم - ١٣٨٨ هجرى - حيدرى - دارالكتب الاسلاميه آخوندى.
- كامل الزيارات - جعفر بن محمد بن قولويه قمى - م٣٦٨ - چاپ اول ١٤١٧ مؤسسه نشر اسلامى - مؤسسه نشر الفقاهه.
- كنز العمال - متقى هندی - م٩٧٥ - مؤسسه الرساله - بيروت.
- مجمع الزوائد - نورالدين الهيثمى - م٨٠٧ - چاپ ١٤٠٨ هجرى - دارالكتب العلميه - دارالكتب العربى لبنان.
- مستدرک الوسائل - ميرزا حسين نورى - م١٣٢٠ - چاپ اول ١٤٠٨ - مهر قم - مؤسسه آل البيت لاحياء التراث.
- من لا يحضره الفقيه - ابو جعفر محمد بن على بابويه قمى شيخ صدوق - م٣٨١ - چاپ دوم ١٤٠٤ - جامعه مدرسين.
- نهج البلاغه - خطب الامام على ٧ - م٤٠ - دار المعرفه - بيروت.
- نهج السعاده فى مستدرک نهج البلاغه - محمد باقر محمودى - معاصر - چاپ اول ١٣٩٦ - دارالتعارف للمطبوعات.
- نزه الناظر وتنبيه الخواطر - حسين بن محمد بن حسن حوانى - م قرن پنجم هجرى - اول - ١٤٠٨ هق - مهر قم - مدرسه امام مهدى (ع) قم.
- وسائل الشيعه (آل البيت) - حر عاملى م١١٠٤ - چاپ دوم - ١٤١٤ - مهر قم - مؤسسه آل البيت لاحياء التراث.

- وسائل الشيعة - محمد بن حسن حر عاملي - م ١١٠٤ - چاپ پنجم ١٣٩٨ مكتبة الاسلاميه - طهران

لغوى

- تاج العروس، زبيدي، م ١٢٠٥، چاپ ١٤١٤، دارالفكر، بيروت.

- دهخدا، دهخدا، على اكبر، چاپخانه دانشگاه تهران، تهران، ١٣٤٠ ش.

- كتاب العين، خليل بن احمد فراهيدى، دارالهجرة، قم، چاپ اول، ١٤٠٥ ق.

- قاموس قرآن، قرشى، على اكبر، دارالكتب اسلاميه، تهران، ١٣٥٢ ش.

- لسان العرب، ابن منظور، محمد، نشر ادب الحوزه، قم، ١٤٠٥ ق / ١٣٦٣ ش.

- مجمع البحرين فى اللغة، فخرالدين طريحي، مرتضوى، تهران، مج ٦، چاپ دوم، مج ١٣٦٥ ١٣٦٤ ش.

- معجم مقاييس اللغة، ابن فارس، احمد، دارالكتب اللميه، قم.

- مفردات فى غريب القرآن، راغب اصفهاني، مرتضويه، تهران.

- المنجد فى اللغة، معلوف، لويس، انتشارات اسماعيليان، تهران، ١٣٦٢ ش.

- النهاية فى غريب الحديث و الاثر، ابن اثير، مبارك بن محمد، المكتبة العلميه، بيروت، ١٣٨٣ ق.